

سحر دانشور: حوزه زنان رسانه ندارد!



شناسه خبر: ۱۴۱۳۲۸ دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۰۹:۴۵

دانشور با ابراز ناراحتی از کم توجهی رسانه‌ها به حوزه زنان و طرح صرف مسائل زنان در سطوح نخبگانی، گفت: برنامه «خط سوم» می‌خواهد ژورنالیسم زنان را روی زمین بیاورد و با خلق گفتار عمومی در این حوزه، مسائل زنان را یک گام جلو ببرد.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر- طیبه مجردیان: برنامه گفتگو محور «خط سوم» با سردبیری سحر دانشور، مجله‌ای تخصصی برای بانوان ایرانی در قالب شبکه دو است که تا به حال در دو فصل و در مجموع ۵۴ قسمت روی آنتن رفته و فصل جدید آن هم در دست تولید است. این برنامه به طرح مسائل مختلفی در حوزه زنان پرداخت و تلاش کرد با دعوت از مسئولین، کارشناسان و کنشگران حوزه زنان، علاوه بر طرح مسائل مهم به پیگیری پروژه‌های عینی در این حوزه نیز بپردازد.

دانشور معتقد است با خلأ جدی ژورنالیسم زنان در کشور مواجه هستیم و مسائل زنان غالباً در سطوح نخبگانی مثل نهادهای سیاستگذار، پژوهشکده‌ها و دانشگاه‌ها مطرح می‌شود و هنوز به گفتار عمومی برای جامعه تبدیل نشده است. وی برنامه خط سوم را فرصتی برای خلق گفتار عمومی در حوزه زنان و ژورنالیسم کنشگر می‌داند که در تلاش است تا حرکتی در این حوزه به وجود بیاورد و مسائل و موضوعات حوزه زنان را پیش ببرد. در همین راستا موج خبر با خانم سحر دانشور پیرامون برنامه خط سوم گفتگو کرده که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

کم توجهی رسانه‌ها به حوزه زنان

درباره تجربه خودتان در برنامه خط سوم بفرمایید. ایده اولیه این برنامه چه بود و چه فرایندی طی شد تا خط سوم به مرحله اجرایی رسید؟

ممنونم از اینکه به خط سوم توجه کردید و باب این گفتگو را باز کردید. یکی از انگیزه‌های جدی ما برای ساخت برنامه خط سوم این بود که از خلأ جدی ژورنالیسم حوزه زنان رنج می‌بردیم. اساساً ژورنالیسم زنان شکل نگرفته و این مسئله مهمی است. در تاریخ گذشته مثلاً سه چهار دهه اخیر تنها فضایی که توانست به صورت جدی به حوزه زنان، ژورنالیستی، تحقیقی، تحلیلی و خبری نگاه کند، مهرخانه بود. در کنارش سایت‌های مختلفی مثل زنان پرس و چارقد هم بودند. چارقد سایتی بود که یک تعداد از وبلاگ نویس‌ها تقریباً اواخر دهه 80 و اوایل دهه 90 شکل داده بودند و درباره مسائل زنان در آن می‌نوشتند. یادداشت‌هایی که خود من برای چارقد می‌نوشتم، اولین نقطه‌ای بود که از آنجا به سمت حوزه زنان هل داده شدم. بعد مهرخانه آمد، زنان پرس بود و بعد ایران دخت ولی عملاً می‌شود گفت پایه و اساس ژورنالیسم حوزه زنان به صورت جدی در مهرخانه بود که شش سال هم بیشتر دوام نیاورد و بعد هم رفت و الان به آرشیو آن هم نمی‌توانیم دسترسی پیدا کنیم چون برداشته شده است.

خبرگزاری‌ها و سایت‌ها و روزنامه‌ها هم معمولاً سرویس‌های مختلفی دارند اما نمی‌بینیم به حوزه زنان توجه کنند. حتی نمی‌گوییم به صورت تخصصی یک سرویس مشخص به این حوزه اختصاص بدهیم اما سرویس‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هم خیلی کم به حوزه زنان ورود پیدا می‌کنند مگر اینکه به آسیب‌ها بپردازند. باز در سرویس‌های اجتماعی بحث آسیب‌ها بیشتر مطرح می‌شود. بنابراین ما خلأ جدی ژورنالیسم زنان را احساس می‌کردیم.

خیلی مهم است که شما در سرویس فرهنگی روی حوزه زنان تمرکز کردید. امیدوارم بقیه خبرگزاری‌ها هم به این موضوع

توجه کنند. این اتفاق خیلی مهم و جذابی است.

از خلأ جدی ژورنالیسم حوزه زنان رنج می‌بردیم

از همین نقطه اگر بخواهم شروع کنم اولین مسئله‌ای که ما در خط سوم داشتیم همین بود. یعنی ما می‌خواستیم بر شانه بزرگان و تجربیات بایستیم چون ژورنالیسم مکتوب می‌تواند پشتوانه ژورنالیسم تلویزیونی باشد یا حداقل یک مقدار ادبیات را پیش برده باشد و تو بر شانه آن ادبیات بایستی و یا حتی در زمین چالش‌هایی که آنجا طراحی می‌شود، برنامه‌ات را پیش ببری. اگر برنامه‌های گفتگو محور نظری، ژورنالیستی و فکری را ببینید معمولاً امتدادی در فضای رسانه‌ای مکتوب و اینترنتی و روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها دارند یعنی از آنجا مایه می‌گیرند و بحث را به تلویزیون می‌آورند.

اما خط سوم نه نقطه‌ای بیرون از خودش در حوزه ژورنالیسم داشت که بر دوش آن بایستد و امتداد آن باشد و نه وقتی بحث‌های مهمی را مطرح می‌کرد، امتدادی پیدا می‌کرد. در حالی که شما اگر در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نگاه کنید یک بحث در یک روزنامه می‌تواند تا دل تلویزیون کشیده شود و برعکس یک بحث و گفتگوی تلویزیونی می‌تواند برای سایر رسانه‌ها فرصت بسازد. ولی ما در خط سوم عملاً در یک خلأ جدی بودیم.

هم خلأ تجربه بود و هم بحث‌ها امتداد پیدا نمی‌کرد. برای ما مسئله بود که به فلان موضوع چگونه پرداخت کنیم؟ خب تجربه‌ای نبود و هر آنچه که بود بیشتر از حوزه تحقیقی و پژوهشی مایه می‌گرفت. خود من چون در حوزه زنان بودم به همراه دوستانی که فعال در عرصه پژوهشی حوزه زنان بودند و با آنها کار می‌کردیم، اتاق فکر تشکیل دادیم. بحث می‌کردیم که این موضوعات مهم هستند و اولویت دارند پس به این شکل و با این رویکرد به آنها بپردازیم. اما برای ما سوال به وجود می‌آمد که ژورنالیسم تلویزیونی کجای این داستان است؟ این‌ها مسائلی بود که با آنها دست به گریبان بودیم.

26 موضوع مهم حوزه زنان را روی میز آوردیم

با وجود همه این مسائل ما سعی کردیم بگوییم ژورنالیسم حوزه زنان مهم است. نه فقط به این دلیل که بعد از سال 1401 آن اتفاقات در کشور ما افتاد و ما چنان تجربه‌ای را پشت سر گذاشتیم. بلکه بعد از آن اتفاقات و ماجراها می‌بینیم توجه به

حوزه زنان در جاهای مختلف دارد پررنگ‌تر و جدی‌تر می‌شود و انگار یک فضایی دارد باز می‌شود. اما اینکه این فضا چقدر اثرگذاری مثبت دارد یا چقدر اثرگذاری منفی دارد بحثی است که آن را کنار می‌گذارم، می‌خواهم بگویم هر چقدر مسائل زنان در حوزه‌های دیگر مطرح شد و مهم شد، باز در حوزه ژورنالیسم مطرح نشد.

خط سوم دغدغه شخصی من از سال‌ها قبل بود. قصد من ابتدا راهاندازی یک مجله در سال 99 به نام «روزن» بود. مقدماتش را رفته بودیم، یکی دو ماه هم کار کرده بودیم و حتی پرونده‌اش هم آماده شده بود اما باز به دلیل اینکه کسانی که قرار بود حامی ما باشند وسط راه، کار را رها کردند، آن ایده عملیاتی نشد و تیمی که شکل گرفته بود و راه افتاده بود و مطالبی که طراحی شده بودند و تا نیمه راه رفته بودند، ناقص ماندند. این ایده با من بود تا اینکه از قضا 1401 شد و انگار ژورنالیسم زنان روی زمین آمد. در واقع هم خود شبکه به این ضرورت رسید و هم دغدغه شخصی چند ساله خود من بود که بالاخره ما نیاز داریم مجله‌ای داشته باشیم که به مسائل و موضوعات حوزه زنان بپردازد تا هم اولویت سازی کند و هم به اولویت‌ها بپردازد. در این نقطه بود که خط سوم شکل گرفت و متولد شد. خدا را شکر با همراهی خوب شبکه دو و مدیر شبکه، برنامه خط سوم روی آنتن آمد و ما توانستیم برنامه را به صورت یک ایده عملیاتی ارائه بدهیم.

با توجه به اینکه تا به الآن خط سوم در دو فصل روی آنتن رفته، در هر کدام از فصل‌ها به دنبال چه بودید و ممیزه این فصل‌ها از هم چه بوده؟ شما تعداد قابل توجهی از فعالان حوزه زنان از اساتید دانشگاهی گرفته تا مسئولین و خود زنان کنشگر در میدان را به برنامه خط سوم دعوت کردید و حول موضوعات مختلف گفتگو داشتید. درباره دستاوردهای برنامه بفرمایید. آیا این برنامه ادامه دارد و قرار هست فصل جدید خط سوم روی آنتن سیما برود؟ اگر قرار هست ساخته شود برای فصل آتی چه برنامه و رویکردی خواهید داشت؟

در کل در فصل اول ما 26 موضوع را طرح کردیم و به آنها پرداختیم و سعی کردیم بگوییم ژورنالیسم تلویزیونی زنان ممکن است و می‌تواند شکل بگیرد و اتفاقاً روی مسائل و موضوعات مهم و جدی و اثرگذار دست بگذارد که اثر مستقیم در زندگی فردی و خانوادگی ما دارند. چون معمولاً بحث از زنان که می‌شود مخصوصاً در چهارچوب انقلاب اسلامی، بحث‌ها به شدت انتزاعی است یعنی شما یا در ساحت کلام هستید یا فلسفه و... حتی نمی‌توانم بگویم ساحت سیاسی چون من فکر می‌کنم سیاست با میدان ارتباط خیلی جدی دارد. در حوزه زنان بحث‌ها خیلی انتزاعی و کلان است و به سختی روی زمین می‌آید. از طرفی واقعیتی که وجود دارد این است که معمولاً وقتی بحث از حوزه زنان و مسائل زنان می‌شود، یک انگ همراه با خودش می‌آید اینکه بحث‌ها فمینیستی است و دارید فمینیستی حرف می‌زنید. ممکن است این انگ به شما چسبانده شود. حالا چون چادر هم سرتان هست پس فمینیست‌های مسلمان چادری هستید.

ما فصل اول خط سوم را با این ایده شروع کردیم که بگوییم اولاً ژورنالیسم زنان می‌تواند عینی و انضمامی باشد و

از حرف‌های انتزاعی و کلی پرهیز کند و در عین حال فمنیستی هم نباشد یعنی در چهارچوب انقلاب اسلامی دنبال حل مسئله زن و خانواده باشد. بنابراین اگر نگاهی به موضوعات فصل اول بیندازید می‌بینید اکثراً موضوعاتی است که در نقطه سیاست گذاری معنا پیدا می‌کند. ما 26 موضوع مهم را روی میز آوردیم و سعی کردیم آنها را باز کنیم و به آنها نور بتابانیم و حساسیت برای آنها ایجاد کنیم، موضوعاتی که می‌توانند قابل بحث باشند.

توانستیم به شبهات پیرامون لایحه ارتقاء امنیت زنان پاسخ بدهیم

زن در خط سوم در نسبت با خانواده مطرح است یعنی هر کجا می‌گوییم زن داریم همان لحظه خانواده را هم احضار می‌کنیم. برای اینکه برچسب فمنیست نخوریم با دقت خیلی زیاد که گاهی تبدیل به اضطراب هم می‌شد به موضوعات می‌پرداختیم.

قسمت دوم یا سوم بود که به لایحه ارتقاء امنیت زنان پرداخته بودیم. طراحی ما این بود که حتی یک بار هم اسم خشونت روی آنتن گفته نشود چون می‌دانستیم حساسیت روی این واژه بالا هست و فکر می‌کردیم طرح واژه‌های لیبل‌دار مثل واژه خشونت ممکن است هم به برنامه آسیب بزند هم به لایحه چون لایحه روزهای حساسی را پشت سر می‌گذاشت. اتفاقاً خانم دکتر عباسوند مهمان ما بودند و از واژه خشونت در صحبت‌هایشان خیلی استفاده کردند. تصریح‌شان هم این بود که به هر حال اینها آسیب‌هایی است که وجود دارد و به اسلام و ذات خانواده اسلامی بر نمی‌گردد. هر بار که ایشان اسم خشونت را می‌آوردند تن و بدن من می‌لرزید و می‌گفتم برنامه و لایحه هوا شد. ولی خدا را شکر به دلیل نکات بسیار جدی و صریحی که خانم دکتر عباسوند داشتند، عملاً گفتگوی بسیار موثری در آن مقطع بود و توانست بعضی از اذهان را آرام کند و در سطوح بالایی تصمیم‌گیری، تقنین و سیاست گذاری خیلی موثر واقع شد. واقعاً بحث را پیش برد و برخی از پرسش‌ها و ابهامات حول این لایحه را پاسخ داد.

چون سوالاتی که ما از ایشان داشتیم دقیقاً در نقاطی بود که ابهام به وجود آمده بود؛ اینکه آیا لایحه فمنیستی است؟ آیا لایحه باعث می‌شود که خانواده آسیب ببینند؟ یعنی سوالات را به گونه‌ای طراحی کرده بودیم که مستقیماً پاسخ به

شبهاتی باشد که مطرح شده بود. چون من برنامه خط سوم و ژورنالیسم زنان را یک پروژه عینی می بینم که قرار است مسائل حوزه زنان را یک گام به جلو ببرد یعنی قائل نیستم ژورنالیسم اینجا فضایی است برای اینکه بنشینیم حرف های انتزاعی بزنیم و لذت ببریم.

مخاطب خط سوم؛ نخبگان یا عموم مردم؟

بحث کودکان خاص را در فصل اول با خانم دکتر فرهمندپور داشتیم و یک آشنایی زدایی جدی از ایشان کردیم. دکتر فرهمندپور اکثراً برای بحث های نظری حوزه زنان به برنامه های تلویزیونی دعوت می شوند اما چون ایشان تجربه متفاوتی در مادری دارد، از ایشان خواستیم به عنوان زنی که اولاً در حوزه زنان نظریه پرداز است، ثانیاً استاد دانشگاه است، ثالثاً تجربه مدیریتی و سیاسی دارد و رابعاً مادر فرزند خاص هست، در نقطه تجربه زیسته و نگاه نظری درباره خانواده هایی که فرزندان با شرایط خاص دارند، صحبت کنند.

در کل قسمت بسیار پر سر و صدایی بود و از این قسمت بسیار استقبال شد. ایشان نکات خیلی دقیق و درستی گفتند و بسیار درخشان ظاهر شدند. پیام های متفاوتی دریافت کردیم. یک عده با بهت زدگی می گفتند چه عجب یک نفر ما را دید. به دنبال این هستیم پروژه رسانه ای این ماجرا را هم کلید بزنیم. در فصل جدید حتماً این کار را انجام خواهیم داد.

یا بحث زنان کارگر را مطرح کردیم. از خانم گلپور دعوت کردیم که هم تجربه زیسته جدی در حوزه کارگری و هم تجربه نظری جدی در این حوزه داشتند. این قسمت هم بسیار پر بازدید شد. پیامک هایی می آمد که من تعجب می کردم؛ شما از نوع نوشتن پیام متوجه می شدید که سواد این فرد در چه حدی است یا مثلاً نوشته بود من از فلان روستای دور افتاده هستم. همینطور به اشتغال و کارآفرینی زنان پرداختیم و با خانم دکتر فیروزفر که سابقه کارآفرینی در شهرداری تهران داشت و یک مجموعه خیلی گسترده را راه انداخته بود، صحبت کردیم.

تصویر ما از خط سوم در مسیر خیلی شکست یعنی ما فکر می کردیم خط سوم یک مجله نخبگانی است. این بحث را همیشه با دوستان مسئول در شبکه داشتیم که خط سوم نخبگانی است و حتی دانشجوها هم آن را نمی بینند. در حالی که در بعضی از موضوعات می دیدیم اقبال مختلف مردم برنامه را می بینند.

ایده های که در این قسمت داشتیم تغییر ریل در سیاست گذاری برای زنان سرپرست خانوار بود. یعنی اگر الان رویکردی

که نسبت به حمایت از زنان سرپرست خانوار وجود دارد کمیته امدادی است که ماهانه هزینه‌ای به آنها می‌دهند، این اقدامات باید به سمت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تغییر کند. این تغییر ریل برای کسانی که در حوزه سیاست گذاری و قانونگذاری کار می‌کنند، بسیار پر تنش است.

خانم دکتر فاطمه قاسم پور مهمان ما بود و از این تغییر ریل و موانعی که دارد، صحبت کردند که خودش خیلی مسئله مهمی است اما هنوز ممکن نشده و خیلی‌ها با آن مخالف هستند چون بعضی اساساً واژه توانمندسازی را فمینیستی می‌دانند. البته باید حواسمان به خانواده ایرانی باشد و باید از این تجربه با دقت نظر استفاده کنیم. این‌ها همه مسئله است ولی در کل ایرادهایی که به این تغییر ریل گرفته می‌شود، ایرادهای خیلی دقیقی نیست. یا موضوعی مثل هویت دختران برای ما خیلی مهم بود. این هم از قسمت‌هایی بود که خیلی دیده شد.



نگاه منفی دختران نوجوان به جنسیت زنانه

در این برنامه که مختص بانوان هست، رده سنی نوجوان را چگونه دیدید؟ چون الان یکی از مهمترین مسئله‌ها در مباحث مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این گروه سنی خاص هستند. بعضاً در خیلی از برنامه‌ها وقتی مسائل بانوان مطرح

می‌شود از یک سنی به بالا را مد نظر می‌گیرند. از یک سنی به پایین را یا بچه مدرسه‌ای می‌بینند که کاری با کارش ندارند و یا اصلاً جزو آمار نمی‌آید. نگاه شما در برنامه خط سوم نسبت به این موضوع چگونه هست؟
دقیقاً همین است.

اساساً انگار فرهنگ، جامعه و رسانه ما دختر را به گونه‌ای معلق کرده است؛ دوره دختری مسیری است بین تولد تا ازدواج، تازه ازدواجش را هم یکمقدار معلق کرده تا لحظه مادری‌اش تا وقتی مادر نشوی انگار به رسمیت شناخته نمی‌شوی. ما سعی کردیم این فضا را بشکنیم.

در دو قسمت به هویت دختران نوجوان پرداختیم. و برای من خیلی جالب بود که از خود دختران عکس العمل داشتیم. یک قسمت را اینگونه طراحی کرده بودیم که دختر نوجوانی را همراه با مربی‌اش آمده بود و طرف گفتگوی ما خود دختر نوجوان بود.

پرسیدیم تو درباره خودت چطور فکر می‌کنی و به عنوان یک دختر نوجوان چه نگاهی نسبت به خودت داری؟ یا اینکه با نگاه دیگران نسبت به خودت چه مسئله‌ای داری؟ یک تعریف خیلی شگفتی که من از آن دختر نوجوان دیدم این بود که گفت اولین مسئله من این هست که شما به من می‌گویید دختر نوجوان. اصلاً چرا به من می‌گویید دختر؟ وقتی به من می‌گویید دختر انگار دارید چیزهایی را به من بار می‌کنید، یک حذف شدگی‌هایی را دارید به من بار می‌کنید. از فلان نقطه تا فلان نقطه من را دارید حذف می‌کنید و این تعریف برای من خیلی تعریف شگفتی بود.

یعنی جنسیت زن را آنقدر محدود کننده می‌دید که نمی‌خواست حتی عنوان دختر روی او گذاشته شود.

بله، دقیقاً می‌گفت شما دارید من را محدود می‌کنید. خیلی نگاه متفاوتی داشت. در قسمت بعد هم کارشناس آورده بودیم که حالا جهان دختر نوجوان را برای والدین باز کند که شما این را ببینید و متوجه این تغییرات و تحولات باشید. یعنی سعی کردیم هم با خودش گفتگو کنیم و هم با خانواده‌اش که متوجه او باشند. نکته این هست که آیا دو قسمت کافی است؟ نه اصلاً کافی نیست.

خط سوم و فرصت خلق گفتار عمومی

ولی اتفاقی که ما در فصل اول داشتیم این بود که انگاری ما یک منو گذاشتیم و 26 موضوع مهم را که بعضاً دو قسمتی به آن پرداختیم، مطرح کردیم. گفتیم این سفرهای است که می‌خواهیم در ادامه مسیرمان در آن بازی کنیم. یعنی قصد داشتیم در سری دوم همان موضوعات را بازتر کنیم و در سری سوم خیلی بازتر. در فصل جدیدی که پیش رو است نقشه ما این است که دیگر خیلی باب جدیدی باز نکنیم بلکه در زمینی که خلق کردیم بازی می‌کنیم تا همان موضوعات را به یک نتیجه ای برسانیم.

فصل اول؛ کارشناسان، سیاستگذاران، مسئولین و قانونگذاران را دعوت کردیم و درباره موضوعات، تخصصی بحث کردیم. فصل دوم تصمیم گرفتیم بحث‌ها را عمومی کنیم و گفتیم حالا وقت خلق گفتار عمومی است. حالا وقتی است که باید سنسورهای جامعه نسبت به این موضوعات حساس و زبان‌دار شود. در همین راستا شروع کردیم به طراحی موضوعات و این اتفاقی بود که در فصل دوم افتاد.

مثلاً ما قسمت اول را با عنوان اتحاد جهانی برای خانواده مبتنی بر صحبت‌های رئیس جمهور روی آنتن رفتیم. یا بحث ورزش زنان را که در فصل اول مطرح کرده بودیم، دوباره در فصل دوم و همزمان با موقعیتی که زنان ما مدال آوری زیادی داشتند به آن پرداختیم. قسمت سوم فصل دو، طوفان الاقصی شد و ما 18 قسمت وارد ماجرای غزه و فلسطین شدیم و بحث ما آنجا اتحاد برای زندگی بود و سعی کردیم تعلیق زندگی را به عنوان سیاست اساسی اسرائیل باز کنیم و به مخاطب بگوییم که اسرائیل اساساً دارد زندگی را تعلیق می‌کند. چرا نان پختن این خانم فلسطینی مهم است؟ چون این کار او علیه سیاست اساسی اسرائیل است و الا نان پختن، فعل خیلی معمولی هست ولی یکجایی دارد معنایی خلق می‌کند. حدود 18 قسمت ما در این فضا بودیم و بعد دوباره به موضوعات مربوط به جامعه زنان ایران برگشتیم.

در قسمت‌هایی که به موضوع فلسطین پرداختیم، اتفاقی که افتاد این بود که خیلی تلاش کردیم کنشگران را به میدان بیاوریم؛ مادران و زنانی که در موقعیت‌های مختلف داشتند برای طوفان الاقصی کار می‌کردند. گفتیم تنها کاری که ما می‌توانیم انجام بدهیم این است که امتداد رسانه‌ای این‌ها باشیم چون آنها داشتند کار و حرکت می‌کردند و اتفاق را رقم می‌زدند و من وظیفه خودم می‌دانستم این افراد و اتفاقات را به معرفی کنم تا مردم ببینند جامعه نسبت به چنین اتفاقی حساس است. این رویه هم به ژورنالیستی شدن ما کمک کرد.

آیا جراحی های زیبایی، انتخابی است و مقصر اصلی خود زنان هستند؟

در ادامه به موضوعات خودمان برگشتیم. موضوعی که روی میز داشتیم زیبایی بود که از اول می خواستیم به آن پردازیم ولی عقب افتاد. پنج قسمت از خط سوم را با موضوع زیبایی روی آنتن رفتیم. می توانم بگویم اینجا ما یک نتیجه واقعی میدانی گرفتیم. اولین کسانی که علیه ما سنگر گرفتند پزشکان و متخلفان بودند. خیلی سنسورهای حساسی دارند. من در همان قسمت هایی که به زیبایی می پرداختم به طور مداوم نشست هایشان را دنبال می کردم. همان مقطع بود که پزشکان سراسر کشور نشستی داشتند. مصاحبه های جنبی شان را که در خبرگزاری ها می خواندم، عنوان می کردند که اخیراً دارد به جامعه شریف پزشکان حمله می شود. دیدم که این مسائل تا کجا رفته یا کمپین امضا کرده بودند. حتی به گوش ما رسیده بود که دارند از ما شکایت می کنند. اتفاقاً یک وکیل خیلی سرشناس با ما تماس تلفنی داشت که احتمال شکایت هست و مدام به شبکه نامه می زدند که به ما تریبون بدهید، به ما توهین شده است و داستان های به این شکل. اتفاقاً ما در فصل جدید در نظر داریم به آنها تریبون بدهیم که بیايند و صحبت هایشان را مطرح کنند.

از سوی دیگر ما اداره نظارت وزارت بهداشت را دعوت کرده بودیم و سوال کردیم که چرا شما نظارت نمی کنید؟ به نظر من در آن گفتگو از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کردند؛ اما اتفاقی که افتاد حدود دو هفته بعد دیدیم وزارت کشور دستور منع فوری کلیه دوره های آموزشی غیرقانونی را داد و رونوشت هم به وزارت بهداشت زد که ما اخبارش را در صفحه خودمان منتشر کردیم. حالا این دوره ها را چه کسی بر گزار می کرد؟ جهاد دانشگاهی، دانشگاه آزاد!

یعنی شما تأثیر مستقیم این برنامه را دیدید؟

بله.

در همان مقطعی که ما به موضوع زیبایی می پرداختم، خط این ماجرا در رسانه ها خیلی پررنگ شده بود. هفته اول ما به اقتصاد سیاسی زیبایی پرداختم. هفته دوم آقای دکتر نیکو مرام را در بحث جراحی آوردیم. هفته سوم اداره نظارت وزارت بهداشت را آوردیم که چرا نظارت نمی کنید؟ هفته چهارم به آرایشگاه ها و پزشکان پرداختم. هفته پنجم هم جمع بندی داشتیم که آخرین قسمت ما بود.

وقتی وزارت کشور دستور منع دوره های آموزشی غیرقانونی را داد، هفته بعد آن وزارت بهداشت هم دستور توقف کلیه اعمال غیرقانونی آرایشگاه ها را داد. برای خود ما خیلی جذاب بود که در این موج رسانه ای جدی که به وجود آمده، این دو گام مهم برداشته شد. سر اقتصاد سیاسی هم بیژن اشتری نسبت به برنامه واکنشی نشان داده بود. قسمت پنجم را

که پخش کردیم تنفس آنتن داشتیم، گفتیم یک قسمت خط سوم در زمان خودش تکراری پخش شود. من گفتم الان که برنامه دارد دیده می شود اگر قسمت اول که حرف های جدی در آن زده شده پخش شود، حرف هایش شنیده می شود. اتفاقاً این قسمتی بود که خیلی به من ایراد می گرفتند که حرف های مطرح شده نخبگانی است ولی من معتقد بودم این حرف ها بسیار بنیادی و جدی است و دارد خط زیبایی را تا دهه 70 عقب می کشاند. از قضا بیژن اشتری هم این قسمت را دیده بود، از کامنت هایش مشخص بود.

حرف ما در زیبایی این بود که وقتی از زیبایی حرف می زنند معمولاً بار را روی دوش خانم ها می اندازند و می گویند او دارد این را انتخاب می کند اما نمی گویند در چه شرایطی انتخاب می کند و چه نیروهایی او را به این سمت هل می دهند حتی آقای دکتر که از وزارت بهداشت آمده بود می گفت خود خانم ها این را انتخاب می کنند و این یک مسئله انتخابی و اختیاری است. دوستان شبکه هم چنین نظری داشتند و می گفتند اینگونه به مسئله بپردازید. ولی نظر من این نبود. در شرایطی که ده ها دست دارد این زن را به این سمت هل می دهد که این کار را بکند، من دوباره نمی آیم بزنم تخت سینه این خانم بگویم خودت مقصر هستی! چرا داری این کار را می کنی؟ تو پنج تا دست را از پشتش بردار، فشارهای روانی که در نقطه هویت و زیبایی دارد را بردار، فشار تبلیغات را بردار، اینستاگرامت را کنترل کن، نظارت وزارت بهداشت را تقویت کن، آنوقت من می گویم شما خانم، خودت مقصر هستی. ولی در این شرایطی که همه دارند او را هل می دهند، نمی توانیم بگوییم زیبایی یک مسئله انتخابی است و خود زنان مقصر هستند.



مسئله زیبایی را فردگرایانه نمی بینم، زیبایی یک پروژه اقتصادی و سیاسی است

وقتی برخی چهره های سیاسی بوتاکس می کنند، چقدر وضعیت بغرنج است؟ حالا من به این خانم بگویم تو مقصر هستی، تو داری انتخاب می کنی، انتخاب نکن! این رویکرد یا رویکردهای روانشناسی معمولاً در پرداخت به زیبایی خیلی پررنگ است. ولی من مسئله زیبایی را فردگرایانه نمی بینم اتفاقاً سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می بینم و وجه اقتصادی آن پررنگ تر است. دهه 20 در ایران، همراهی یک پروژه کاملاً سیاسی از یک سو و پروژه اقتصادی از سوی دیگر، زن آمریکایی را الگو کردند، در دهه 70 هم سیاست. نمی توانیم بگوییم مسئله تو فردی است.

این تجربه هم تجربه خیلی متفاوتی بود. می خواهم بگویم تجربه خط سوم به ما نشان داد هر چقدر انضمامی تر حرف زدیم، مخاطب بیشتر برنامه را دید.

نکته دیگر اینکه یک عده ایراد می گرفتند که چرا همه مهمان های شما چادری هستند؟ نه من و نه تیم تهیه هیچ کدامان

روی این موضوع تأکید نداشتیم. به هر حال من می‌گشتم و تأمل می‌کردم تا کارشناس حرفه‌ای مرتبط را پیدا کنم و از قضا چادری می‌شد. بعضاً هم مهمان‌های ما مانتویی بودند. اما نکته این است که مخاطب اصلاً به این مسئله توجه نمی‌کرد، هر کجا موضوع انضمامی‌تر می‌شد، مخاطب بیشتر استقبال می‌کرد.

مثلاً سر پرونده زیبایی خیلی برای من عجیب بود، قسمت اول را که رفتیم و هنوز هم وارد مسائل پزشکی نشده بودیم؛ به طرز غریبی آسیب دیدگان زیبایی شروع کردند به دایرکت من و خط سوم پیام دادن. فیلم‌هایی که ما از آسیب دیده‌ها پخش کردیم، محصول ارتباطی بود که خودشان با ما گرفته بودند. متعجب بودم که قسمت قبل بحث نخبگانی بود، چطور این افراد جذب برنامه شدند؟ دیگر نگاه نمی‌کردند به چادری بودن و مانتوی بودن ما، موضوع برایشان مهم بود. موضوع هر چقدر انضمامی‌تر می‌شد این حاشیه‌های ذهنی که معمولاً روی تلویزیون بار می‌شود که چادری است، غیر چادری است؟ حزب‌اللهی است، غیر حزب‌اللهی است؟ اینها می‌شکست. اساساً درد را گفتن بود که مخاطب را به وجد می‌آورد. یا مثلاً در موضوع فرزندان خاص باز خانم‌هایی با ما ارتباط می‌گرفتند که طبق فضای ذهنی که معمولاً در رسانه رایج است اساساً این‌ها نباید تلویزیون می‌دیدند. خب عکس پروفایلشان یا تصاویر پیجشان را می‌دیدم.

ضرورت خلق ژورنالیسم کنشگر

اشاره کردید به اینکه بعضاً خانم‌ها از طریق تلویزیون، ماهواره، اینستاگرام و ... به سمت زیبایی و جراحی‌های زیبایی هل داده می‌شوند. بحث زن آمریکایی را مطرح کردید، خب شما به پلتفرم‌ها که نگاه می‌کنید، سبک زندگی که دارد ارائه می‌شود دقیقاً همین است. حالا چه داشتن حیوان خانگی یا داشتن آرایش خاص یا عمل زیبایی خاص و امثالهم. خب ما خودمان یک جا داریم هزینه می‌کنیم و آسیب شناسی می‌کنیم و یک جای دیگر دقیقاً ضد و برعکس آن عمل می‌کنیم. برای این چه باید کرد؟

یکی از آیت‌هایی که ما تولید کرده بودیم مربوط به تبلیغات تلویزیون بود. حتی در قسمت اول و آخر بیشتر از همه خود تلویزیون را نقد کردیم. حرف ما هم این بود گفتم بینندگان محترم ما الان داریم این را می‌گوییم ولی همزمان در یک شبکه دیگر دارد یک کرم جوان ساز تبلیغ می‌شود که خواستگاری پیر است و تبلیغ می‌گوید کرم بزن تا جوان شوی. می‌خواهم بگویم این تناقض کاملاً وجود دارد، اتفاقاً در خود تلویزیون هم وجود دارد. ما خط سوم تولید می‌کنیم بعد همزمان شما مجری‌های شبکه‌های دیگر را می‌بینید که انواع عمل‌های زیبایی را روی صورتشان انجام دادند. این چیزی است که خود ما هم به آن واقف هستیم و همه می‌دانیم اما وضعیتی که وجود دارد این است که اینجا نقطه‌ای است که گاه آدم با خودش می‌گوید ژورنالیسم می‌تواند نقطه تخییر (سست کردن) باشد. به این صورت که فکر کنیم ما که حرف خودمان را زدیم، آسیب شناسی هم کردیم، پس حجت بر ما تمام شده است. اینجا نقطه‌ای است که از نظر من ژورنالیسم

کنشگر باید خلق شود. این همان چیزی است که در فصل سوم خط سوم قصد داریم دنبال کنیم. من عنوان فصل سه خط سوم را این گذاشتم؛ خط سوم به مثابه کنش. یعنی وقتی طرح فصل سوم را نوشتم و موضوعات آن را تعیین کردم گفتم اساساً تو تا زمانی که از یک پروژه نتیجه نگیری، حق نداری میدان را خالی کنی. چون در حال حاضر وضعیتی را داریم تجربه می کنیم که به نوعی کاش می شد گفت ژورنالیسم چون همین نقطه تخیل شده است.

ما همه داریم حرف های خوبی می زنیم و از آن هم لذت می بریم. خودمان را نقد می کنیم و می گوئیم ببینید ما در بالاترین سطح نقد هستیم. مثلاً در تلویزیون، خود تلویزیون را نقد می کنیم. کیف هم می کنیم خب که چی؟ باز هم آن زن پیکر تراشی می کند یعنی خودش را سلاخی می کند، پیکر تراشی نیست، سلاخی است. اصلاً برای اینکه شاغل در تلویزیون و بعضی مشاغل بماند دارد خودش را اینگونه می کند. برای همین هست که من از یک نقطه ای به بعد تصمیم گرفتم موضوعات را به نتیجه برسانم. ما 80 قسمت حرف زدیم ولی بعدش چی؟ به همین علت در فصل سه ما خط سوم را به مثابه کنش می بینیم. برای اینکه هم خودش در نقطه رسانه یک میدان عملیاتی خلق کند و هم به میدان های عملیاتی نیرو بدهد. به طور مثال وقتی که ما درباره آرایشگاه کار می کردیم، خبرگزاری فارس گزارشی از مجموعه آرایشگرانی که شرایط خاصی برای آرایش دارند، تهیه کرد کلاً ناخن نمی کاشتند و... خب پروژه خط سوم این می تواند باشد که به اینگونه جریان ها نیرو بدهد و آنها را توسعه بدهد.

اقتصاد سیاسی و بدنمند شدن جامعه

آرایشگاه، باشگاه، جراحی و این وضعیتی که داریم می بینیم حکایت از بدنمند شدن جامعه می کند. وقتی از بدن حرف می زنیم همه این ها را در بر می گیرد و اگر قرار است لایه سطحی این ماجرا که آرایشگاه، باشگاه و جراحی هست تغییر کند باید آن ارزش بنیادین که بدن است، تغییر کند. اما نکته اساسی این است که آن رویه ای که شکل گرفته انقدر چرخش مالی بالایی دارد که اینجا دیگر بحث اقتصادش هم مطرح است. شما دقیقاً در پیوند بین فرهنگ و اقتصاد و با حمایت سیاست، وضعیتی را دارید می بینید که عملاً انسان ها قربانی می شوند. مسئله هم فقط زنان نیستند، بدنمند شدن برای مردان هم خیلی جدی مطرح است در باشگاه هایشان و...

یک چرخه هست. یک حلقه و زنجیرهای هست که می تواند از دارو و لوازم آرایشی شروع شود تا تغذیه، بدن و پزشکی حتی گفتمان پزشکی سنتی هم وارد این بازی شده و از این داستان سود می برد. چند وقت پیش مستندی درباره جراحی های زیبایی در کره جنوبی دیدم که مستند خیلی خوبی بود. همین فرمایشات شما را از بعد روانی آسیب شناسی کرده بود که چرا این خانم ها گرایش پیدا می کنند که بروند و این جراحی ها را انجام بدهند. آخرش رسید به اینکه این

عدد و رقم و درآمد انقدر بزرگ است که هر چقدر هم دولت سیاست گذاری کند یا منعی ایجاد کند باز قانون دور زده می شود. یعنی تبلیغات به گونه ای است که حتی ممکن است فرد را ترغیب کند از یک کشور که منع قانونی دارد به کشوری دیگر مهاجرت کند که قانونش اجازه می دهد کاری که می خواهد را انجام بدهد.

بله همین الان وقتی شما اینستاگرام را باز کنید، تصاویر خیلی تکان دهنده ای از عمل های جراحی خانم ها می بینید که یک چیزهایی از آن را آدم شرم می کند که اصلاً توضیح بدهد. انسان متحیر می ماند که چرا اصلاً یک عده این کارها را انجام می دهند؟ اتفاق های عجیبی که بعد از مدتی تبدیل به مد می شود و عده زیادی انجام می دهند.

مهمانی که در این بخش داشتیم ماجرای جالبی هم درباره مانکن ها تعریف کرد. می گفت من تحقیق کرده بودم که مانکن ها را چگونه درست می کنند و به یکی از مجموعه های مانکن ساز رفته بودم و دیدم یکسری مانکن های جدید دارد به صورت انبوه تولید می شود که کاملاً تراش خورده هستند. می گفت انگار مجسمه داوود میکل آنژ را می دیدم.

به موضوع جمعیت هم پرداختید؟

بله یک قسمت هم ما درباره خانواده و جمعیت روی آنتن رفتیم. آقای دکتر عالمی را دعوت کرده بودیم و نگاه ما این بود که چون قانون جوانی جمعیت تصویب شده دیگر روی آن بحث انتقادی نکنیم. با آقای دکتر عالمی درباره موانع تحقق قانون جوانی جمعیت بحث کردیم. ما سعی کردیم خیلی عینی و واقعی حرف بزنیم و چون دکتر عالمی مسئول ستاد جمعیت دانشگاهی کشور هستند و این موقعیت را داشتند، سعی کردیم با نگاه به دانشگاه درباره مسئله جمعیت حرف بزنیم و اینکه دانشگاه چه ظرفیت هایی دارد و چه کاری می تواند برای قانون جوانی جمعیت انجام بدهد؟ در امتداد دانشگاه دوستدار خانواده که هفته قبلش با خانم گیتی پسند صحبت کرده بودیم، یک بحث ایجابی خوب با دکتر عالمی داشتیم. اتفاقاً قسمتی که از خانم گیتی پسند را دعوت کردیم، قسمت خیلی جذابی بود و خودم هم خیلی دوست داشتم.

تفریح زنان هم مسئله ما بود، شهر زنان هم همینطور که خانم اردبیلی را در این رابطه دعوت کرده بودیم و درباره ایده های عملیاتی شده و عملیاتی شونده صحبت کردند.

تجربه زیسته باید مبنای طراحی نظریه در حوزه زنان باشد

حوزه زنان را نمی‌توان بدون تجربه زیسته درک کرد

در برنامه خط سوم تا ما این بود که تجربه زیسته باید مبنای طراحی نظریات باشد. برای همین مهمان‌های ما به نحوی انتخاب شدند که هم تجربه زیسته و هم بعد نظری داشتند. بحثی هم که مطرح می‌کردند بین تجربه زیسته و ابعاد نظری رفت و آمد داشت. چون اعتقاد ما این است که اساساً حوزه زنان را نمی‌توان بدون تجربه زیسته درک کرد. طراحی سیاست برای زنان و خانواده باید تجربه زیسته محور باشد. به عنوان مثال تو باید تجربه خانوادگی داشته باشی تا بعد به شهر دوستدار خانواده فکر کنی و آن را طراحی کنی. به همین خاطر موضوعات ما بین تجربه و نظر، رفت و برگشت می‌کرد و کارشناسانی که مهمان خط سوم بودند اغلب پروژه عینی داشتند.

خانم دکتر گلپور پروژه عینی در حوزه کارگری داشت، خانم دکتر اردبیلی پروژه عینی در حوزه مدیریت شهری داشت، خانم دکتر قاسم پور پروژه عینی در حوزه تقنین داشت، خانم دکتر فیروزفر پروژه عینی در حوزه کارآفرینی داشت، خانم دکتر فرهمند تجربه زیسته در موضوع فرزندان خاص داشت، یعنی شما اگر دقت کنید ما سعی نمی‌کردیم انتزاعی صحبت کنیم و بگوییم اگر اینطوری باشد خوب است، کسانی می‌آمدند که پروژه‌های عینی داشتند و می‌خواستند پروژه خود را از نقطه‌ای به نقطه دیگر برسانند و حالا رسانه می‌خواست به این‌ها کمک کند تا جلو بروند.

بعضی از مهمان‌های ما دقیقاً کنش میدانی داشتند. مثلاً مجموعه حسنا را دعوت کردیم که پروژه‌اش این بود که به مادرانی که می‌خواهند سقط جنین کنند، کمک کند تا این کار را انجام ندهد یعنی یک تجربه عینی داشت. جلوی چندین سقط را گرفته بودند و الآن هم فکر کنم آمارشان خیلی بیشتر از مقطعی شده که ما دعوتشان کردیم.

یا برای ما روضه‌های زنان خیلی مهم بود. فکر می‌کنم ما در دو یا سه قسمت به بحث روضه‌های زنان پرداختیم و کسانی که روضه‌خانگی داشتند را دعوت کردیم و گفتیم به عنوان کسانی که عملیاتی دارند خلق می‌کنند که معنایی پشت آن هست، درباره کارشان توضیح بدهند. از سوی دیگر درباره این روضه‌های زنان بحث کارشناسی می‌کردیم. یکی از قسمت‌ها بحث روضه مقاومت بود. بچه‌های مادرانه سبزوار طرحی داشتند به اسم روضه‌های مقاومت که بعد از شهادت حاج قاسم این روضه‌ها را علم کرده بودند. یعنی هم کنشگران حوزه زنان را به برنامه دعوت می‌کردیم و هم در کنار این گروهی که کنش در میدان داشتند یک کارشناس می‌آوردیم که در امتداد کار عملی و میدانی که آنها انجام می‌دهند، بحث نظری کند.

شما هم یک موضوع شناسی وسیع کردید، هم موضوعات را انتزاعی ندیدید. کنشگران حوزه زنان را به برنامه دعوت کردید و سعی کردید جریان‌های زنانه‌ای که در جامعه وجود دارد معرفی کنید. کارشناسانی هم که به برنامه خط سوم دعوت کردید در موضوعات مدنظر تجربه زیسته و دغدغه داشتند و می‌خواستند اهدافی را پیش ببرند. گویی رسانه می‌خواهد اینجا تسهیلگر شود و مسائل حوزه زنان را جلو ببرد.

بله چون خط سوم برای خود من پروژه عینی بود. یعنی سحر دانشور تو از اینجا می‌خواهی به کجا برسی؟

خط سوم اولاً می‌خواهد ژورنالیسم زنان را روی زمین بیاورد و در مرحله بعد می‌خواهد پروژه‌های عینی حوزه زنان را حرکت بدهد.

بله اتفاقاً من هم معتقد هستم خانم‌ها الان به نقطه‌ای رسیدند که باید ادبیات سازی کنند و تلاش کنند تا گفتمان زنانه شکل بگیرد.

ادامه دارد...

انتهای پیام/